ده گفتار

محسن قرائتی

بسم الله الرحمن الرحیم

ده گفتار

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

ده گفتار ----- ۶

مشخصات کتاب ----- ۶

مقدمه ----- ۶

قرآن و امام حسین ----- ۷

انگیزه، اخلاص، نشاط و آگاهی در کربلا ----- ۷

حرکت امام حسین بر اساس قرآن ----- ۹

اهداف امام حسین و قرآن ----- ۱۰

امر به معروف و امام حسین ----- ۱۱

جلوه های قرآن در کربلا ----- ۱۱

عزت و ذلت در کربلا ----- ۱۲

نماز و امام حسین ----- ۱۳

قرآن و یاد شهدا ----- ۱۴

زیارت عاشورا در سایه قرآن ----- ۱۵

پاورقی ----- ۱۶

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۲۱

ده گفتار

مشخصات کتاب

عنوان : ده گفتار

پدیدآورندگان : محسن قرائتی(پدیدآور)

وضعیت نشر : قم : مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی ، ۱۳۸۶

نوع : متن

جنس : کتاب

زبان : فارسی

مشخصات فیزیکی : مشخصات ظاهری:۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML ملاحظات:ملزومات نظام: ویندوز ۹۸+ با پشتیبانی متون ملا

مقدمه

بسم اللّه الرّحمن الرّحیمالحمدللّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله اجمعینسالهاست در فکر ترویج تفسیر قرآن هستم و در این راستا خداوند توفیقاتی مرحمت فرموده است. در سال هشتاد که از حج برگشتم، پیشنهاد دوستان در ستاد تفسیر، مرا در شب و روز عید غدیر به فکر واداشت که آیا می توان مسیر سخنرانی های محرم را قرآنی کرد، یعنی سیمای امام حسین علیه السلام و اهداف آن عزیز را ومسائل کربلا و صحنه هایی که پیش آمد از جهاد، تصمیم، عشق، ایمان، خلوص و شهادت تا نماز، پذیرش عذر و توبه ی حُر تا پیشگامی حضرت در فرستادن فرزندش قبل از دیگران به میدان نبرد و تا آیاتی که حضرت از آغاز سفر تا کربلا ـ تلاوت فرمودند و تا وفاداری یاران و امثال آن را که صدها آیه ی قرآن به آن اشاره دارد، در قالب قرآن مطرح کنیم تا محتوای سخنرانی ها، قرآن، ولی نمونه های عینی و مصادیق آن از کربلا ـ باشد.با خود گفتم که اگر قرآن به جای مسائل دیگر مطرح شود، آثار نورانی خود را در دل ها خواهد داشت و نوعی مهجوریت زدایی از قرآن خواهد بود، به علاوه جمله ی معروف پیامبر صلّی اللّه علیه و آله را که فرمود: هرگز میان قرآن واهلبیت من فاصله ای نیست، با تمام وجود لمس خواهیم کرد. انّی تاركٌ فیکم الثّقلین کتاب اللّه و عترتی ما اِن تمسّکتم بهما لن تَضلّوا فاِنّهما لن یفترقا حتّی یَردا علیّ الحوضگفتم: اگر این فکر بخواهد پخته و بی عیب مطرح شود، زمان زیادی می خواهد، ولی از سوی دیگر از دست دادن محرم نیز حیف است. لذا تقریبا در یک شبانه روز آیاتی که با حرکت امام حسین علیه السلام ارتباطی داشت در ده گفتار به قلم آوردم که در هر گفتار حدود ده تا بیست آیه ی مناسب را به دوستان مبلّغ و سخنران ارائه دهم و البتّه آن عزیزان آیات و روایات مشابه را به آن اضافه خواهند کرد و این مقدمه ای باشد که کم کم اُنس ما به قرآن بیشتر شود و به رهبران معصوم نزدیک تر شویم.امام رضا علیه السلام فرمود: اگر از هرچه من گفتم سؤال کنید که از کدام آیه استفاده کرده ام؟ جواب خواهم داد که این سخن من برخاسته از فلان آیه است.گفتار اوّل برگرفته از کتاب همگامی امام حسین با قرآن و گفتار سوّم را از موسوعه کلمات امام حسین و باقی گفتارها را به لطف خدا خودم نوشتم.به امید روزی که همه ی داستان های ما قرآنی، استدلال ها قرآنی، درسهای عرفان، اخلاق و عقائد قرآنی، مسائل زندگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی ما قرآنی، روابط بین الملل و حتّی روضه های ما با محوریت قرآن و کلمات نورانی اهل بیت پیامبر علیهم السلام (عِدل قرآن) باشد و از نقل خواب ها، تاریخ ها، لفظبافی ها و داستان های سست بکاهیم و به سراغ نور واقعی برویم و دیگر شاهد آن نباشیم که عاشقان امام حسین علیه السلام بهره ی کمی از قرآن ببرند، همان گونه که گروهی دیگر بهره کمی از اهل بیت

علیهم السلام می برند و عملاً شاهد جدایی میان جلسات حفظ و قرائت قرآن و شبی با قرآن با جلسات عزاداری و هیآت مذهبی باشیم که کم کم از تاریخ و حماسه ی بسیار مهم کربلا کاسته شود. باید بدانیم که روزگاری علامه امینی ها قدس سرّه روی منبر بوده اند و امروز که قشر تحصیل کرده بیشتری با سؤالات فراوان داریم باید چگونه باشیم!؟خدایا! قرآن را نور فکر، عقیده، قلم، بیان و عملِ فرد و جامعه ی ما قرار بده.

قرآن و امام حسین

اگر قرآن سیدالکلام است، [۱] امام حسین سید الشهداست. [۲] .اگر در صحیفه ی سجادیه درباره ی قرآن می خوانیم: و میزان القسط امام حسین علیه السلام می فرماید: امرت بالقسط [۳] .اگر قرآن موعظه ی پروردگار است؛ موعظهٔ من ربکم [۴] ، امام حسین علیه السلام در عاشورا فرمود: عجله نکنید تا شما را به حقّ موعظه کنم. لا تعجلوا حتّی اعظکم بالحقّ [۵] .اگر قرآن مردم را به رشد هدایت می کند؛ یهدی الی الرشد [۶] ، امام حسین علیه السلام نیز می فرماید: من شما را به دو راه رشاد دعوت می کنم ادعوکم الی سبیل الرشاد [۷] .اگر قرآن عظیم است؛ و القرآن العظیم [۸] امام حسین علیه السلام نیز سوابق عظیمی دارد. عظیم السوابق [۹] .اگر قرآن حقّ و یقینی است؛ و انّه لحقّ الیقین [۱۰] در زیارت امام حسین علیه السلام نیز می خوانیم: آنقدر صادقانه و خالصانه عبارت کردی که به در جه ی یقین رسیدی. حتّی اتاکَ الیقین [۱۱] .اگر قرآن مقام شفاعت دارد؛ نعم الشفیع القرآن [۱۲] امام حسین علیه السلام نیز مقام شفاعت دارد. وارزقنی شفاعهٔ الحسین [۱۳] .اگر در دعای چهل و دوم صحیفه سجادیه درباره ی قرآن می خوانیم که پرچم نجات است؛ عَلَم نجاهٔ در زیارت امام حسین علیه السلام نیز می خوانیم او نیز پرچم هدایت است. انّه رایهٔ الهدی [۱۴] .اگر قرآن شفادهنده است؛ و نُنزّل من القرآن ما هو شفاء [۱۵] خاک قبر امام حسین علیه السلام نیز شفاست. طین قبر الحسین شفاء [۱۶] .اگر قرآن منار حکمت است، [۱۷] امام حسین نیز باب حکمت الهی است. السلام علیک یا باب حکمهٔ رب العالمین [۱۸] .اگر قرآن امر به معروف و نهی از منکر می کند؛ فالقرآن آمرٌ و زاجر [۱۹] امام حسین نیز فرمود: هدف من از رفتن به کربلا امر به معروف و نهی از منکر است. ارید أن آمر بالمعروف و اَنهی عن المنکر [۲۰] .اگر قرآن نور است؛ نوراً مبینا [۲۱] ، امام حسین نیز نور است. کنت نوراً فی الاصلاب الشامخهٔ [۲۲] .اگر قرآن برای تاریخ و همه ی مردم است؛ لم یجعل القرآن لزمانٍ دون زمان و لاللِناس دون الناس [۲۳] ، درباره امام حسین علیه السلام نیز می خوانیم که آثار کربلا از تاریخ محو نخواهد شد. لا یدْرس أثره و لایُمحی اسمه [۲۴] .اگر قرآن کتاب مبارکی است؛ کتاب انزلناه الیک مبارک [۲۵] ، شهادت امام حسین علیه السلام نیز برای اسلام سبب برکت و رشد است اللّهم فبارک لی فی قتله [۲۶] .اگر در قرآن هیچ انحرافی نیست؛ غیر ذی عوج [۲۷] درباره ی امام حسین علیه السلام نیز می خوانیم: لحظه ای از حق به باطل گرایش پیدا نکرد. لم تَمِلْ من حقّ الی الباطل [۲۸] .اگر قرآن، کریم است؛ انّه لقرآن کریم [۲۹] ، امام حسین نیز دارای اخلاق کریم است. و کریم الخلائق [۳۰] .اگر قرآن عزیز است؛ انّه لکتاب عزیز [۳۱] ، امام حسین فرمود: هرگز زیر بار ذلّت نمی روم هیهات منّا الذّلهٔ [۳۲] .اگر قرآن ریسمان محکم است؛ انّ هذا القرآن... العروهٔ الوثقی [۳۳] ، امام حسین نیز کشتی نجات و ریسمانِ محکم است. ان الحسین سفینهٔ النجاهٔ و العروهٔ الوثقی [۳۴] .اگر قرآن بیّنه و دلیل آشکار است؛ جائکم بیّنهٔ من ربّکم [۳۵] ، امام حسین نیز اینگونه است اَشهد اَنّکَ علی بیّنهٔ من ربّک [۳۶] .اگر قرآن را باید آرام و با تأنّی تلاوت کرد؛ و رتّل القرآن ترتیلا [۳۷] زیارت قبر امام حسین را نیز باید با گام های آهسته انجام داد. و امش بمشی العبید الذلیل [۳۸] .اگر تلاوت قرآن باید با حزن باشد؛ فاقروه بالحُزن [۳۹] زیارت امام حسین علیه السلام نیز باید با حزن باشد. و زره و انت کئیب شعث [۴۰] .آری، حسین علیه السلام قرآنِ ناطق و سیمایی از کلام الهی است.

انگیزه، اخلاص، نشاط و آگاهی در کربلا

بر خلاف دنیای امروز که به ثروت، نیرو، اطلاعات، تخصص، تکنولوژی و حمایت دیگران تکیه دارد، اسلام کارائی و نقش همه ی آنها را در کنار ایمان به خدا، اخلاص، نشاط و انگیزه می داند.نمونه ها:نماز بی نشاط، مورد انتقاد قرآن است. قاموا کسالی [۴۱] .انفاق بی نشاط، مورد انتقاد قرآن است. هم کارهون [۴۲] .انجام کار بدون نشاط یا همراه با بهانه گیری، به منزله ی انجام ندادن آن است، بنی اسرائیل چون بعد از بهانه گیره های زیاد، گاوی را ذبح کردند قرآن می فرماید: گویا ذبح نکردند. فذبحوها و ما کادوا یفعلون [۴۳] .بارها قرآن از کسانی که هنگام رفتن به جبهه بی نشاط بودند، انتقاد کرده است. اثّاقلتم الی الارض [۴۴] .از ایمان و توجّه کسانی که تنها به هنگام اضطرار روبه خداوند می کنند، انتقاد کرده و می فرماید: همین که در آستانه غرق شدن قرار گرفتند، خدا را می خوانند ولی همین که نجات یافتند، فراموش می کنند. فاذا رکبوا فی الفلک دعوا اللّه... فلمّا نجّاهم... [۴۵] .ایمان در لحظه ی خطر کار فرعونی است که در آستانه ی غرق شدن گفت: ایمان آوردم و خداوند در پاسخ او فرمود: الا ن و قد عصیت قبل [۴۶] .در کربلا نشاط بود؛ امام حسین علیه السلام فرمود: مرگ مانند گردنبند در سینه دختران جوان است.فرزند سیزده ساله امام حسن علیه السلام (حضرت قاسم) فرمود: مرگ نزد من از عسل شیرین تر است.یاران امام حسین علیه السلام می گفتند: اگر بارها زنده شویم باز کشته شویم، دست از تو بر نمی داریم.نشاط بالا-تر از رضایت و تسلیم است، ریشه ی نشاط ایمان به راه، رهبر و هدف است و بی نشاطی، نشانه ی باورنداشتن راه، رهبر و هدف است.اما مسئله ی انگیزهاسلام به انگیزه ی انسان بسیار توجّه دارد، حتّی سیر کردن گرسنگان اگر بر اساس اخلاص نباشد و انگیزه ی غیر الهی داشته باشد، بی ارزش است.یکی از سوره های قرآن سوره ی عبس است که در ده آیه ی اوّل آن به شدّت انتقاد می کند که چرا به روی نابینایی عبوس شد، در حالی که نابینا نه عبوسیت را می بیند و نه خنده را، اما اسلام اصل عبوس بودن را زشت میداند، نه به خاطر فمیدن یا نفهمیدن مردم. اسلام ارزشها و ضد ارزشها را واقعی می بیند، نه قراردادی، سیاسی، اقتصادی و تعصّبی.انگیزه ی امام حسین علیه السلام خودنمایی، قدرت طلبی، انتقام نبود، انگیزه امام و یارانش اصلاح در دین جدّش بود. انگیزه ی یارانش رسیدن به مال و مقام و تظاهر نبود، آنان با خدا معامله کردند و لذا کودک اسیر شده امام در برابر کاخ بنی امیه سخنرانی می کند و می فرماید: به عدد دانه های شن خدا را شکر می کنم؛ الحمدللّه عدد الرمل و الحصی و زینب کبری می فرماید: چیزی جز زیبایی ندیدم؛ ما رایت الا جمیلا در حالی که اگر انگیزه غیر خدا باشد، باید گلایه ها و ضعف ها و ناسپاسی ها در کار باشد.خلاصه آنکه گرچه اسلام به آمادگی همه جانبه در برابر دشمن توجه دارد؛ واعدّوا لهم ما استطعتم من قوّهٔ [۴۷] .به آموزش های تخصّصی عنایت دارد، گرچه نزد بیگانگان باشد؛ اُطلب العلم و لو بالصینبه حمایت افراد توجّه دارد؛ تعاونوا علی البّر و التّقوی [۴۸] .به ثروت و اطلاعات توجه دارد، اما همه ی اینها به منزله ی عینک وسیله ی دیدن هستند، لکن کار دیدن از چشم است و توفیق تنها از اوست؛ و ما توفیقی الاّ باللّه [۴۹] و نصرت تنها از او می باشد؛ و ما النصر الاّ من عند اللّه [۵۰] .امّا آگاهیامروز خلبانان متخصّص منطقه ای را بمباران می کنند، بدون آنکه بدانند چرا و برای چه؟در کربلا همه یاران امام حسین علیه السلام آگاه بودند. از آغاز سفر تا کربلا تمام جملات امام نشانه ی این بود که این سفر کامیابی مادّی و برگشتی ندارد، یک انتخاب آزادانه، آگاهانه، مخلصانه و عاشقانه بود.در اسلام حتّی اشک و سوزی ارزش دارد که بر اساس آگاهی باشد؛ تفیض اعینهم من الدمع مما عرفوا [۵۱] .باور و یقین که آمد، انسان در کار خود تردید ندارد. زینب کبری در سخنرانی به یزید می گوید: من تو را پست و کوچک می دانم؛ انّی لاستصغرکَاری اگر انسان در اثر معرفت و شناخت یقین پیدا کرد، پخته می شود و هیچ پخته ای خام نمی شود، ولی اگر بر اساس احساسات و شعارها داغ شد، ممکن است بعد از مدّتی گرفتار تردید و سرد شود، چون هر داغی سرد می شود.در قرآن دو نوع دخول داریم: یکی دخول مردم در فضای ایمان و دیگری دخول ایمان در فضای دل. داخل شدن مردم به ایمان آسان است؛ یدخلون فی دین اللّه افواجا [۵۲] امّا داخل شدن ایمان در دل، کار سختی است؛ و لمّا یدخل الایمان فی قلوبکم [۵۳] .اکنون که این سطرها را می نویسم، شبی است که حضرت علی علیه السلام در روز آن در غدیر خم به امامت نصب شد، همانها که یدخلون فی دین اللّه افواجا بودند، صحنه را دیدند و تبریک هم

گفتند، اما پس از چندی علی علیه السلام را رها کردند، زیرا ایمان در قلبشان داخل نشده بود. این است تفاوت دخول مردم در دین با دخول دین در مردم.

حرکت امام حسین بر اساس قرآن

آیاتی که امام حسین علیه السلام در مسیر راه به آن استناد فرمودند:آیه اوّل: همین که نماینده یزید در مدینه (مروان) تصمیم گرفت که از امام حسین علیه السلام برای یزید بیعت بگیرد، امام فرمود: ویلك یا مروان فانّك رجس وای برتو، تو پلید هستی و ما خانواده ای هستیم که خداونـد در شأن ما فرموده است: انّما یریـد اللّه لیـذهب عنکم الرّجس اهل البیت و یطهّرکم تطهیرا [۵۴] همانا خداوند می خواهد که از شـما اهل بیت هر پلیدی (احتمالی، شك و شـبهه ای) را بزداید و شما را چنانکه باید و شاید پاکیزه بدارد.آیه دوّم: امام حسـین علیه السـلام در پایان وصـیت نامه ای که قبل از حرکت به کربلا نوشـتند، به این آیه اسـتناد کردنـد: و ما توفیقی الا باللّه علیه توکّلت و الیه اُنیب [۵۵] توفیق من به جز به (اراده) خداوند نیست که بر او توکّل کرده ام و به او روی آورده ام.آیه سوّم: همین که برای فرار از بیعت با یزیـد، از مـدینه به سوی مکه خارج شدند (۲۸ رجب)، این آیه را تلاوت فرمودنـد: فخرج منها خائفا یترقّب قال ربّ نجّنی من القوم الظالمین [۵۶] آنگاه که (موسـی) از آنجا ترسان و نگران بیرون شد و گفت: پروردگارا! مرا از قوم ستمکار نجات بده.آیه چهارم: شـیخ مفید قدس سـرّه می گوید: همین که امام حسـین علیه السـلام به سوی مدینه رهسپار شد، گروه هایی از جن و فرشـته برای یاری آن حضـرت حاضر شدند، امّا امام این آیات را تلاوت فرمودند: اینما تکونوا یدرککم الموت و لو کنتم فی بروج مشیّدهٔ [۵۷] هرجا که باشید و لو در برجهای استوار سر به فك کشیده، مرگ شما را فرا می گیرد. همچنین آیه ی: کبرز الّذین کتب علیهم القتل الی مضاجعهم [۵۸] کسانی که کشته شدند، در سرنوشتشان نوشته شده بود (با پای خویش) به قتلگاه خود رهسپار می شدند.آیه پنجم: همین که امام حسـین علیه السـلام شب جمعه سوم شـعبان (قبل از حرکـت به کربلا) وارد مکه شدند، این آیه را تلاوت فرمودنـد: و لمّا توجّه تلقاء مَدیَن قال عسـی ربّی اَن یهدنی سواء السبیل [۵۹] و چون رو به سوی مـدین نهاد، گفت: باشد که پروردگارم مرا به راه راست راهنمایی کنـد.آیه شـشم: در مکه همین که با ابن عباس گفتگو می کردند درباره ی بنی امیّه این آیات را تلاوت فرمودند: انّهم کفروا باللّه و برسوله و لایأتون الصـلاهٔ الاّ و هم کُسالی [۶۰] آنان به خداوند و پیامبر او کفر ورزیده و جز با حالت کسالت به نماز نپرداخته انـد.... و همچنین آیه ی: یرائون الناس و لایـذکرون الله الا قلیلا با مردم ریاکاری کننـد و خـدا را جز انـدکی یاد نمی کننـد. و آیه ی مذبـذبین بین ذلك لا الی هؤلاء و لا الی هؤلاء و من یضـلل اللّه فلن تَجِدَ له سبیلا [۶۱] در این میان (بین کفر و ایمـان) سرگشـته انـد، نه جزو آنان (مؤمنان) و نه جزو اینان (نامؤمنان) و هر کس که خداونـد در گمراهی واگـذاردش، هرگز برای او بیرون شـدنی نخواهی یافت. و فرمودند: کلّ نفس ذائقهٔ الموت و انّما توفّون اُجورکم [۶۲] هر جانداری چشنده (طعم) مرگ است و بی شك در روز قیامت پاداشـهایتان را به تمامی خواهند داد.آیه هفتم: در آستانه عید قربان که امام حسین علیه السلام از مکه به سوی کربلا حرکت کردند، نماینده یزید در مکه راه را بر حضرت بستند، درگیری با تازیانه رخ داد، به امام حسین گفتند: می ترسم شـما میان مردم شـکاف بیفکنی!! حضـرت این آیه را تلاوت فرمودنـد: لی عملی و لکم عملکم انتم بریئون مما اعمل و انا بری ء مما تعملون [۶۳] عمل من از آن من و عمل شـما از آن شما، شما از آنچه من می کنم بری و برکنارید و من از آنچه شما می کنید بری و برکنارم.آیه هشـتم: همین که در مسـیر کربلا خبر شهادت مسلم را شنیدند فرمودند: انّا للّه و انّا الیه راجعون [۶۴] کسانی که چون مصـیبتی به آنان رسد، گویند: ما از خداییم و به خدا باز می گردیم.آیه نهم: در نزدیکی کربلا همین که حُر به امام گفت: چرا آمده ای؟ فرمود: نامه های دعوت شـما مرا به اینجا آورد، ولی حالا پشیمان شده اید و این آیه را تلاوت فرمود: فمَن نَکَث فانّما یَنکُـث علی نفسه [۶۵] پس هرکس که پیمـان شـکند، همانا به زیان خویش پیمان شکسـته است.آیه دهم: در مسـیر کربلا همین که خبر شـهادت نامه رسان خود قیس بن مسـهّر صیداوی را شنید گریه کرد و این آیه را تلاوت فرمودند: و منهم مَن قَضی نَحبَه و منهم

مَن یَنتَظر و ما بَدّلوا تَبدیلا [۶۶] از ایشان کسی هست که بر عهد خویش (تا پایان حیات) به سربرده است و کسی هست که (شهادت را) انتظار می کشد و هیچ گونه تغییر و تبدیلی در کار نیاورده اند.آیه یازدهم: همین که فرماندار کوفه (ابن زیاد) نامه رسمی برای حُر فرستاد که راه را بر حسین علیه السلام ببندد و او نامه را به امام عرضه داشت، امام این آیه را تلاوت فرمودند: و جعلناهم ائمّهٔ یدعون الی النار... [۶۷] و آنان را پیشوایانی خواندیم که به سوی آتش دوزخ دعوت می کنند و روز قیامت یاری نمی یابند.آیه دوازدهم: امام حسین علیه السلام در کربلا درباره لشکر یزید برای دخترش سکینه این آیه را تلاوت فرمود: اِستَحوَذ علیهم الشیطان فَانساهم ذکر اللّه [۶۸] شیطان بر آنان دست یافت، سپس یاد خدا را از خاطر آنان برد.آیه سیزدهم: در روز عاشورا برای لشکر یزید این آیه را تلاوت فرمود: فاجمعوا اَمرکم و شُرکائکم ثمّ لایکن امرکم غُمّهٔ ثمّ اقضوا الیّ و لاتنظرون [۶۹] شما با شریکانی که قائلید، کارتان را هماهنگ و عزمتان را جزم کنید سپس در کارتان پرده پوشی نکنید، آنگاه کار مرا یکسره کنید و مهلتم ندهید.و نیز آیه انّما ولیّ اللّه الذی نزل الکتاب و هو یتولّی الصالحین [۷۰] سرور من خداوند است که (این) کتاب آسمانی را فرو فرستاده است و او دوستدار شایستگان است. و نیز آیه ی: و انّی عذت بربّی و ربّکم ان ترجمون [۷۱] و من از شرّ اینکه سنگسارم کنید، به خود و پروردگار شما پناه می برم. و همچنین آیه ی: اعوذ بربّی و ربّکم من کلّ متکبّر لایؤمن بیوم الحساب [۷۲] من به پروردگار خود و پروردگار شما از (شرّ) هر متکبّری که به روز حساب ایمان ندارد، پناه می برم.

اهداف امام حسین و قرآن

در اسلام به همان مقدار که از فساد انتقاد و با آن مقابله شده، نسبت به اصلاح سفارش و تأکید شده است. قرآن تنها به ایمان و تقوای درونی اکتفا نمی کند، بلکه اصلاح را لازمه ی ایمان و تقوی می شمارد. آمن و اصلح [۷۳] و فمن اتّقی و اصلح [۷۴] .خداوند خود اوّل مصلح است؛ و اصلح بالهم [۷۵] و لذا از مردم نیز خواسته تا اوّل عیب های خود را اصلاح کنند؛ تابوا و اصلحوا... [۷۶] و سپس به اصلاح جامعه بپردازند. فاتّقوا اللّه و اصلحوا ذات بینکم [۷۷] اصلاح گر هرگز به دنبال فتنه انگیزان نمی رود، و اصلح و لا تتّبع سبیل المفسدین [۷۸] البتّه اصلاحات باید بر معیار عدل و قانون باشد فاصلحوا بینهما بالعدل و القسط [۷۹] .کسی که راههای صلاح و اصلاح را به روی خود ببندد، نابود خواهد شد هر چند فرزند پیامبر باشد؛ انّه لیس من اهلک انّه عمل غیر صالح [۸۰] (ای نوح!) او از خاندان تو نیست، براستی که عمل او غیر صالح است. اولیای الهی از خدا درخواست می کردند که به صالحان ملحق شوند. اَلحِقنی بالصالحین [۸۱] .قرآن معمولاً ـ ایمان را همراه عمل صالح بیان کرده است؛ الذین آمنوا و عملواالصالحات اثر بخشی عمل صالح محدود به زمان و مکان نیست و حتّی نسل های بعدی از اعمال پدران صالح خود خیر و بهره می برند. و کان ابوهما صالحا [۸۲] .قرآن هدف از کامیابی از نعمت ها را انجام عمل صالح می داند، یا ایها الرّسول کلوا من الطیبات و اعملوا صالحا [۸۳] یعنی بهره گیری و کامیابی شما از نعمت ها باید برای انجام کار نیک و عمل صالح باشد.خداوند متعال حکومت آینده ی زمین را نصیب بندگان صالح خود خواهد کرد. انّ الارض یَرثُها عبادی الصالحون [۸۴] .انسان بعد از اصلاح خود، باید به اصلاح دیگران بپردازد و تمام توان خود را در این راه بکار گیرد ان ارید الا الاصلاح ما استطعت [۸۵] چیزی جز اصلاح تا سر حد توانم نمی خواهم.البتّه خداوند متعال اصلاح طلبان واقعی را از کسانی که شعار اصلاح می دهند، جدا می کند و چهره ی مدّعیان دروغین را افشا می کند؛ قالوا انّما نحن مصلحون ألا اِنّهم هم المفسدون و لکن لایشعرون [۸۶] آنها می گویند: فقط ما اصلاح طلبیم، آگاه باشید آنها خود فساد کنندگانند، ولی نمی فهمند.آری، خداوند مصلحین واقعی را می شناسد. و اللّه یعلم المفسد من المصلح [۸۷] .خداوند به مصلحان واقعی را وعده ی پاداش داده است. انّا لانضیع اجر المصلحین [۸۸] .نکته قابل توجه آنکه هر چه میزان فساد بالا برود، تلاش مصلحانه ی بیشتری را طلب می کند. (آری هر چه هوا گرم تر شود، نیاز به آب زیادتر می شود) و هر چه مفسدان خطرناکتر شوند، مصلحان بزرگتری می طلبد. در برابر نمرود جز ابراهیم و در برابر فرعون جز موسی و در برابر یزید جز

حسین علیه السلام چه کسانی می توانند مقابله کنند؟!بدیهی است برنامه ی اصلاحات همیشه با نامه و گفت وگو و تذکّر پیش نمی رود، بلکه شرایطی پیش می آید که باید به استقبال خطر رفت. امام حسین علیه السلام اوّلین مصلِح اسلامی است که به استقبال سخت ترین شداید رفت و جان خود را تسلیم حقّ نموده و به شهادت رسید.

امر به معروف و امام حسین

امر به معروف و نهی از منکر نشانه ی وجدان بیدار، سوز و تعهّد، عشق به مکتب، حضور در صحنه و عشق به مردم است.امر به معروف و نهی از منکر سبب دلگرمی نیکوکاران، کنترل خلافکاران و حافظ حقوق مظلومان است.جامعه ی بی تفاوت و ساکت، جامعه ی مرده و بدون رشد است. حضرت لوط به مردمی که در برابر گناه ساکت بودند فرمود ألیس منکم رجل رشید [۸۹] آیا یک انسان رشد یافته در میان شما نیست؟قرآن شرط بهترین امّت بودن را انجام امر به معروف و نهی از منکر می داند؛ کنتم خیر اُمّهٔ اُخرجت للناس... [۹۰] .آنگاه که قهر خداوند بر خلافکاران نازل شود، خداوند ناهیان از منکر را نجات می دهد. وانجینا الذین ینهون عن السوء [۹۱] .یکی از برکات نماز آن است که انسان را از منکرات باز می دارد. انّ الصلوهٔ تَنهی عن الفحشاء و المنکر [۹۲] .آمرِ به معروف در پاداش انجام معروف شریک است. [۹۳] .ترک امر به معروف سبب سلطه ی اشرار می شود.امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ی تمام انبیا در طول تاریخ است. لقد بعثنا فی کل اُمّهٔ رسولاً ان اعبدوا اللّه و اجتَنِبوا الطاغوت [۹۴] .امام حسین علیه السلام درباره ی علّت قیام خود فرمودند: مگر نمی بینید که به حقّ عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی شود. [۹۵] من بنا دارم (هر چند با شهادت و ریختن خونم باشد) امر به معروف و نهی از منکر کنم. انّی اُرید أن آمر بالمعروف...آری، امر به معروف و نهی از منکر مراحلی دارد که در بعضی مراحل باید تا شهادت پیش رفت. چنانکه خون های مقدّسی در راه آن ریخته شده است. و یقتلون الذین یأ مرون بالقسط [۹۶] .توجیهات نابجابعضی برای سکوت خود توجیهاتی دارند و کلماتی را می گویند از قبیل:کار از کار گذشته است.با یک گل بهار نمی شود.ما و او را در یک قبر نمی گذارند.عیسی به دین خود، موسی به دین خود.دیگران هستند، به ما چه ربطی دارد.در زندگی شخصی افراد دخالت ممنوع است.نانم قطع شده و مردم از من رنجیده می شوند.خجالت می کشم و با او رودرواسی دارم.ولی قیام امام حسین علیه السلام ثابت کرد که با یک حرکتِ خالصانه، می توان تاریخ را متحوّل کرد و با یک گل بهار می شود.ما باید با طاغوت ها مبارزه کنیم، زیر پا و سُم اسب برویم ولی زیر بار زور نرویم. سر به نیزه دهیم ولی در برابر ظلم سر خم نکنیم و نباید تصوّر کنیم که آثار امر به معروف و نهی از منکر فوری است، زیرا گاهی آثار یک کلام یا قیام و حرکت، بعد از سال ها جلوه می کند.

جلوه های قرآن در کربلا

قرآن بارها می فرماید: به منطق و حقّ فکر کنید، نه به تعداد نفرات و تعبیراتی از قبیل: اکثرهم لا یعملون [۹۷] ، اکثرهم فاسقون [۹۸] ، اکثرهم کاذبون [۹۹] را به کار برده است.قرآن می فرماید: هر گامی و کلامی باید بر اساس بصیرت باشد ادعوا الی اللّه علی بصیرهٔ اَنا و مَن اتّبعی [۱۰۰] در امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل و اصحاب علیهم السلام روز عاشورا ده سخنرانی کوتاه برای موعظه و ارشاد مردم داشتند.قرآن، از ایثارگران تجلیل می کند؛ و یؤثرون علی انفسهم [۱۰۱] ، در کربلا جلوه های بسیاری از ایثار به چشم می خورد که نمونه ی بارز آن ایثار حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است.قرآن به عفو کردن و پذیرش عذر مردم سفارش می کند که نمونه ی بارز آن در کربلا عفو و بخشش حرّبن یزید ریاحی است.قرآن می فرماید: و العاقبهٔ للمتّقین [۱۰۲] و و العاقبهٔ للتقوی [۱۰۳] در کربلا۔ نام نیکی از دهها هزار جنایتکار نیست، امّا نام ۷۲ تن سرباز امام حسین علیه السلام همچنان زنده است.قرآن می فرماید: ای پیامبر! ما نامت را بلند داشتیم؛ و رفعنا لک ذکرک [۱۰۴] ، در کربلا نام حسین علیه السلام برای همیشه

بلند آوازه ماند.قرآن می فرماید: اُمرت لان اکون اوّل المسلمین [۱۰۵] یعنی رهبر باید پیشگام باشد و در کربلا امام حسین علیه السلام فرزندش علی اکبر علیه السلام را قبل از جوانان بنی هاشمی به میدان نبرد فرستاد.قرآن می فرماید: فاستقم کما اُمرتَ و مَن تابَ مَعَکَ [۱۰۶] ای پیامبر! تو و یارانت استقامت بورزید، در کربلا بهترین جلوه های استقامت را در امام حسین و یارانش علیهم السلام می بینیم.قرآن به جای نام بردن از افراد، ملاک ها و معیارها را بیان می کند. مثلاً می فرماید: مولای شما کسی است که در رکوع نمازش انگشتر خود را به فقیر داد و در یک لحظه بین نماز و زکات را جمع کرد، و این مردمند که باید جستجو کرده مصداق آیه را پیدا کنند، در کربلا امام حسین علیه السلام نفرمود: من با یزید بیعت نمی کنم بلکه، بلکه فرمود: مثلی لایبایع مثله یعنی خطِ ستیز حقّ و باطل در طول تاریخ بوده، هست و خواهد بود.قرآن می فرماید: بدی های مردم را با خوبی جواب دهید؛ ویدرؤن بالحسنهٔ السیئهٔ [۱۰۷] ، در کربلا حُرّ راه را بر امام می بندد، ولی امام حسین علیه السلام به تشنگان لشکر حُر و حتّی به اسب های آنها آب می دهد.قرآن پیروی از خدا و اولیای الهی و وفاداری را سفارش می کند، برخی یاران امام حسین علیه السلام که جان خود را برای نماز ظهر عاشورا سپر کرده و تیرها را به جان خریدند هنگامی که امام بعد از نماز و در لحظه آخر عمر آنان بالای سرشان آمد آنها پرسیدند: آیا وفا کردیم؟ گویا تا آن لحظه نسبت به وفاداری خود شک داشتند!قرآن در بسیاری از آیات سفارش به توحید می کند، جمله ای که امام حسین علیه السلام فرمود: لا معبود سواک بهترین جلوه ی این آیات است.قرآن به نهی از منکر و غیرت دینی و دفاع از حریم سفارش می کند، در کربلا آخرین جمله امام حسین علیه السلام در گودی قتلگاه به لشکر یزید این بود که به خیمه های من حمله نکنید و ناموس مرا پاس دارید و اگر دین ندارید لا اقل در دنیا آزاد مرد باشید!قرآن به تسلیم و رضا در پیشگاه خدا سفارش می کند، امام حسین علیه السلام نیز که روزی بر دوش پیامبراسلام صلّی اللّه علیه و آله و روزی زیر سُم اسبان، در هر حال راضی و تسلیم خداوند است.

عزت و ذلت در کربلا

در برنامه های اسلام به مسئله ی عزّت توجه خاصی شده است. پرستش خداوند عزیز، عزّت آفرین است، اما بندگی در برابر غیر خدا (خواه جمادات یا غیر آن) ذلّت است. کفی بی عزّا اَن اکون لک عبدا.گذاشتن دست انسان در دست رهبران غیر معصوم، توهین به انسانیّت و به ذلّت کشاندن بشر است.برای غیر خدا کار کردن (هر چیز و هرکس که باشد) باختن و خسارت است؛ خابَ الوافِدن علی غیرک و خَسِر المتعرّضون الاّ لک.اگر دراسلام غیبت کردن، نسبت ناروا دادن، توهین، تمسخر، تحقیر، افشاگری، طعنه و نیش زدن، منّت گذاشتن، مردم را با نام بد صدا زدن و فحش و ناسزا حرام است، به خاطر آن است که در این کارها عزّت دیگران شکسته می شود.اگر ستایش ستمگر عرش خدا را به لرزه می آورد، چون درآن عزیز کردن نااهلان است.اگر انسان حق ندارد عیوب و گناهان و ضعف های خود را حتّی برای نزدیک ترین دوستانش نقل کند، به خاطر حفظ عزّت است.اگر به تشیع جنازه، رسیدگی به فقرا، عیادت بیماران، وام دادن، دید و بازدید، کتمان عیب دیگران سفارش شده است، به خاطر حفظ عزّت انسان هاست.اگر به صبر و قناعت وترک سؤال از مردم و چاپلوسی سفارش شده است، به خاطر عزّت انسان هاست.به چند نکته توجه کنید:۱- عزّت به معنای نفوذ ناپذیری است، نه داشتن امکانات. ممکن است کسی هیچ گونه امکانات مادی نداشته باشد، ولی هیچ تهدید و تطمیعی در او اثری نکند، این فرد عزیز است و ممکن است کسی همه گونه امکانات داشته باشد، ولی باز هم افراد و یا اشیایی در او اثر بگذارند که این گونه افراد ذلیلند.۲- سرچشمه ی همه ی عزّت ها خداست. در قرآن مکرّر می خوانیم: انّ العزّهٔ للّه جمیعا قرآن عزّت خواهی از غیر خدا را نکوهش می کند. أیبتغون عندهم العزّهٔ [۱۰۸] .۳- فروتنی در برابر حق عزّت است؛ العزّ ان تذلّ للحقّ [۱۰۹] شیطان عزّت خود را از نژادِ آتشی خود می طلبید، در حالی که عزّت او در سایه طاعت خدا بود.عزّت های دنیوی در حقیقت ذلّت است. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: دنیا به گونه ای است که عزّت آن ذلّت است، داشتن مرکب زیبا

که به ظاهر عزّت است، در واقع نوعی وابستگی و اسیر شدن نسبت به آن است. باغ و بستان به ظاهر برای کشاورز عزّت است، امّا تا تمام عمر و قدرت او را نگیرد خودش را عرضه نمی کند.عزّتی ارزش دارد که سبب تکبر و فخرفروشی نگردد و به هر مقدار که بیشتر شد، انسان در درون خودش را کوچک تر احساس کندو فروتنی کند؛ الهی اعزّنی و لاتبتلینی بالکبر و لا تحدث لی عزّا ظاهرا الا اَحدثتَ لی ذلّهً باطنهً عند نفسی بقدرها [۱۱۰] قرآن سلطه ی کفار را بر مؤمنین ممنوع می داند؛ لن یجعل اللّه للکافرین علی المؤمنین سبیلا [۱۱۱] .قرآن پذیرفتن ظلم را مثل ظلم کردن حرام می داند. لاتَظلِمون و لا تُظلِمون [۱۱۲] .قرآن زندگی با ذلّت را مرگ و مرگ با عزّت را زندگی می داند.قرآن آنچه را ملاک دانسته در راه خدا بودن است، نه کشتن و نه کشته شدن؛ انّ اللّه اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بانّ لهم الجنّهٔ... فیَقتلون و یُقتلون [۱۱۳] .قرآن به انسان عزّت داده و فرموده:هستی برای توست؛ خلق لکم [۱۱۴] .روح خدا در توست؛ نفخت فیه من روحی [۱۱۵] .تو مسجود فرشتگان هستی؛ فسجدوا الا ابلیس [۱۱۶] .تو جانشین خدا هستی؛ انّی جاعل فی الارض خلیفهٔ [۱۱۷] .سرپرست شما خداست؛ اللّه ولیّ الذین آمنوا [۱۱۸] .انبیا پدران شما هستند؛ ملّهٔ ابیکم ابراهیم [۱۱۹] .آفرینش تو هدفدار است؛ و ماخلقت الجن والانس الا لیعبدون [۱۲۰] .در کربلا جلوه ی عزّت الهی را می بینیم، نوجوان ۱۳ ساله ای به نام حضرت قاسم می گوید: اگر مسئولین جامعه ی اسلامی یزید و طرفدارانش هستند، پس مرگ از عسل شیرین تر است.امام حسین علیه السلام می فرماید: بنی امیّه مرا بین شهادت و بیعت (سازش) مخیّر ساخته است، هیهات من الذلّهٔ، در کربلا بدن امام سوراخ سوراخ شد، اما به عزّتش لطمه ای وارد نشد، انواع غمها بر حضرت زینب وامام سجاد علیهما السلام وارد شد، اما جلوه های عزّت آنها در خطبه ها، تار وپود نظام بنی امیه را از هم گسست.

نماز و امام حسین

اگر قرآن در آغاز بزرگ ترین سوره ی خود (بقره) می فرماید: الّذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوهٔ [۱۲۱] و همچنین در کوچک ترین سوره ی خود (کوثر) از نماز سخن به میان می آورد، امام حسین علیه السلام آن را اقامه می نماید. اَشهد انّک قد اقمت الصلوهٔ [۱۲۲] .اگر قرآن می فرماید: و ارکعوا مع الراکعین [۱۲۳] ، امام حسین علیه السلام نماز را با جماعت آن هم در برابر صفوف دشمن برگزار می کند.اگر قرآن نحوه ی اقامه نماز در میدان جنگ را به پیامبر صلّی اللّه علیه و آله آموزش می دهد؛ و اذا کنتَ فیهم فاقمت لهم الصلوهٔ فلتقم طائفهٌ منهم معک... [۱۲۴] ، امام حسین علیه السلام در میدان جنگ نماز را اقامه می فرماید.اگر قرآن نماز را به عنوان یک منبع انرژی زای غیبی معرّفی و مؤمنان را امر به استعانت از آن می فرماید: استعینوا بالصبر و الصلوهٔ [۱۲۵] ، امام حسین علیه السلام نیز در بحبوحه ی جنگ و مشکلات آن، از نماز استعانت می جوید.اگر قرآن اقامه ی نماز را در اوّل وقت سفارش می فرماید؛ اقم الصلوهٔ لدلوک الشمس [۱۲۶] ، امام حسین علیه السلام نماز ظهر عاشورا را در اوّل وقت اقامه فرمودند.اگر حضرت عیسای مسیح علیه السلام تا زمانی که نفس دارند، مأمور به اقامه نماز شده اند؛ و اوصانی بالصلوهٔ و الزکوهٔ ما دمت حیّا [۱۲۷] ، امام حسین علیه السلام نیز تا آخرین لحظه همراه نماز است.اگر قرآن از کسانی که تجارت آنها را از نماز غافل نمی سازد، ستایش می کند؛ رجال لا تلهیهم تجارهٔ و لا بیع عن ذکر اللّه و اقام الصلوهٔ [۱۲۸] ، راجع به امام حسین علیه السلام چه باید گفت که حتّی حفظ جان هم او را از نماز غافل نساخت.امام حسین علیه السلام نه تنها خود نماز خواند که نمازهای نماز گزاران را نماز کرد. در حدیث می خوانیم: سه چیز موجب قبولی نماز است: حضور قلب، نماز نافله و تربت سیدالشهدا.امام حسین علیه السلام به خواهرش زینب علیهاالسلام می فرماید: در نمازت به من دعا کن.نماز باید در جامعه و علنی اقامه شود؛ اقیموا الصلوهٔ و امام حسین علیه السلام با انکه می توانست در خیمه نماز بخواند و با اینکه نمازش شکسته بود، در مقابل جمعیت نماز بپا داشت.هنگام اقامه ی نماز در ظهر عاشورا، ۳۰ تیر به سوی حضرت رها شد، یعنی در برابر هر کلمه از حمد و رکوع و سجده تقریبا یک تیر به امام پرتاب شد.به راستی نماز چیست که در عصر تاسوعا هنگامی که به سید الشهدا علیه السلام پیشنهاد حمله می شود، حضرت طی چند نوبت

گفتگو جنگ را یک روز به تأخیر می اندازند و می فرمایند: انّی اُحبّ الصلوهٔ و نفرمود: می خواهم نماز بخوانم، بلکه فرمود: من نماز را دوست دارم. بسیاری از ما نماز می خوانیم، ولی چقدر دوست داریم؟زراره از امام صادق علیه السلام در باره کعبه پرسید: دهها سال است که هرگاه درباره ی حج و کعبه از شما سوال می کنم، پاسخ جدیدی می دهید، علم شما به کجا متّصل است؟ امام فرمودند: آیا می خواهی کعبه ای که هزاران سال قبل از ادم بوده با چند کلمه اسرارش تمام شود.این در حالی است که کعبه و تمامی اسرار و رموز آن که امام به آن اشاره فرمودند، تنها قبله ی نماز است و قبله یکی از شرایط نماز!!امام حسین علیه السلام حاضر می شود تا بدن مبارکشان سوراخ سوراخ شود، ولی ارزش نماز شکسته نشود. سر مقدّس سید الشهدا بر روی نی قرآن می خواند، یعنی سر از بدن جدا می شود ولی سر و دل از قرآن جدا نمی شود.عزادارن حسینی! ظهر عاشورا در هر کجا هستید، به یاد امام حسین علیه السلام و آخرین نماز کربلای او، همراه با حضرت مهدی (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) نماز ظهر عاشورا را باشکوه و با اخلاص بپا دارید.

قرآن و یاد شهدا

در قرآن از افراد ترسو و تن پرور به شدت انتقاد شده است؛ یخشون النّاس کخشیهٔ اللّه [۱۲۹] و لا طاقهٔ لنا الیوم [۱۳۰] و از افراد شجاع ستایش شده است. مثلاً بعضی برای تضعیف روحیّه ی مسلمین می گفتند: دشمنان شما زیادند ولی مؤمنین به جای ترس ایمانشان زیاد می شود؛ انّ النّاس قد جمعوا لکم فاخشوهم [۱۳۱] .قرآن از کسانی که عاشق جبهه هستند و بخاطر نداشتن امکانات اشک می ریزند ستایش می کند اعینهم تفیض من الدَّمع حَزناً الا یجدوا ما ینفقون [۱۳۲] .قرآن از کسانی که برای خون دادن تسلیم فرمان هستند (گرچه خودشان ریخته نشود) ستایش می کند. فلمّا اسلما وتلّه للجبین و نادیناه أن یا ابراهیم قد صَدّقتَ الرؤیا [۱۳۳] .قرآن کسی را که در جبهه از خود شهامت نشان می دهد لایق مقام می داند. فقتل داود جالوت فاتیناه الملک و الحکمهٔ [۱۳۴] .قرآن یکی از ارزشهای حضرت ابراهیم را جرأت او بر شکستن بت ها می داند. تاللّه لَاَکیدنّ اصنامکم [۱۳۵] .قرآن می فرماید: چه بسا پیامبرانی که با همراهان مخلص به جبهه و جنگ رفتند و در برابر سختی ها سستی نورزیدند و از خود ضعف نشان نداده و سر فرود نیاوردند و اینگونه کار و روحیّه ی آنان را می ستایدو کأیّن من نبیّ قاتل معه رِبّیونَ کثیرٌ فما وَهَنوا لِما اصابهم فی سبیل اللّه و ما ضَعُفوا و ماastکانوا و اللّه یحبّ الصابرین [۱۳۶] .شاید یکی از اسرار مهم مراسم حج که بر تمام حجاج بیت اللّه واجب شده است تا شبهایی را در بیرون مکه (بیابان منی) بمانند آن است که آنجا قربانگاه اسماعیل و محل مبارزه حضرت ابراهیم با شیطان است.آری وجوب توقّف در قتلگاه اولیای خدا، یک عزاداری عملی و بیادماندن یاد شهداست.در برابر این گروه، قرآن از گروه هایی به شدّت انتقاد کرده است از جمله:۱ – کسانی که تنها به زندگی دنیا دل بسته اند. أرضیتم بالحیوهٔ الدنیا۲ – کسانی که رفاه زندگی را محبوب تر از جبهه و جهاد می دانند. قل ان کان ابائکم و ابنائکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترفتموها و تجارهٔ تخشون کسادها أحبّ الیکم من اللّه و رسوله و جهاد فی سبیله فتَربّصوا... [۱۳۷] .۳ – کسانی که از دشمن می ترسند. قالوا لاطاقهٔ لنا الیوم بجالوت و جُنوده [۱۳۸] .۴ – کسانی که مسئله نا امنی خانه را مطرح می کنند و برای فرار از جبهه و جنگ، از پیغمبر مرخّصی می خواهند. یقولون انّ بُیوتنا عورهٔ و ما هی بعورهٔ [۱۳۹] .۵ – کسانی که از پیامبر برای شرکت در جبهه عذرخواهی می کنند و بهانه می گیرند که شرکت ما در جنگ تبوک سبب گناه می شود، زیرا در برخورد با رومیان به دخترانشان نگاه خواهیم کرد و گرفتار فتنه و گناه خواهیم شد. در حالی که بزرگ ترین فتنه و گناه که در آن غرق شده اند، فرار از جبهه و تنها گذاشتن پیامبر است و منهم مَن یقول ائذن لی و لا تَفتِنّی اَلا فی الفتنهٔ سقطوا [۱۴۰] .کسانی که گرمی هوا را برای ترک جنگ بهانه قرار دادند. قالوا لا تَنفروا فی الحَّر قل نارُ جهنّم اشدُّ حرّا [۱۴۱] .کسانی که به خاطر نرفتن به جبهه خوشحالند. فرح المخلّفون بمَقعَدهم خلاف رسول اللّه [۱۴۲] .خداوند به پیامبرش دستور می دهد بر مرده ی مرفّهانِ بی درد و منافقانِ ترسو و فراریان از جبهه نماز

نگزار و حتّی بر سر قبر فراریان نباید حاضر شد، پس بر مزار شهدا باید حاضر شد.حضرت فاطمه علیهاالسلام هر هفته دوبار (دوشنبه و پنجشنبه) پیاده چند کیلومتر راه را از منزل تا مزار شهدای اُحد طی می کرد و حتّی مقداری خاک قبر شهید را به خانه برد و از آن دانه های تسبیح ساخت و در دست می چرخاند تا بدین وسیله شهدا فراموش نشوند.خداوند آنچه در زمین و آسمان است آفرید؛اللّه الذی خلق السموات و الارض [۱۴۳] و آن را مسخّر بشر قرار داد؛ سَخّر لکم ما فی السموات و ما فی الارض [۱۴۴] و بشر را برای عبادت و بندگی آفرید؛ وما خلقت الجنّ و الانس الاّ لِیَعبدون [۱۴۵] و قلّه ی عبادت نماز است و قلّه ی نماز سجده است که در سجده بهتر است بر خاک کربلا و تربت شهید سجده کنیم تا شهدا فراموش نشوند.در آداب سفر حج می خوانیم: کسی که مکه رود و پیامبر را در مدینه زیارت نکند جفاکار است و کسی که به مدینه رود و پیامبر را زیارت کند و شهدای اُحد را در کنار مدینه زیارت نکند، جفا کرده است، بنابراین چنین نتیجه می گیریم که الوهیّت مکه به نبوّت مدینه و نبوّت مدینه به شهادت اُحد پیوند خورده است. یعنی مکه به مدینه وابسته و مدینه به اُحد. آیا در این سرّی نیست که شهدای اُحد ۷۲ نفر بودند و شهدای کربلا ۷۲ نفر و شهدای حزب جمهوری هم ۷۲ نفر بودند؟!

زیارت عاشورا در سایه قرآن

یکی از اصولی که قرآن بر آن اصرار دارد، عشق به خوبان و خوبی ها و تنفر از بدان و بدی هاست.قرآن می فرماید: از ابراهیم بیاموز که چگونه از عموی منحرف خود اظهار بیزاری کرد؛ فلمّا تبیّن له انّه عدوّ للّه تبرّء منه انّ ابراهیم لاوّاه حلیم [۱۴۶] آن گاه که برای ابراهیم آشکار شد که او دشمن خداست از او بیزاری جست، با آنکه ابراهیم بسیار دلسوز و بردبار استپیامبر صلّی اللّه علیه و آله مأمور است که به مشرکان بگوید: انّنی بریٌ ممّا تشرکون [۱۴۷] من از آنچه شما شریک خدا قرار می دهید، بیزارم.سوره ی برائت نشان گر آن است که تنها علاقه به خوبی ها کافی نیست، بلکه باید با بیان و فریاد، گفتن و نوشتن، نامه و ناله و اشک و عمل، از بدیها بیزاری جست و نسبت به آنها ابراز تنفر کرد.هر سال میلیون ها مسلمان در سرزمین منی در کنار خانه ی خدا به پیروی از ابراهیم علیه السلام در سه روز پشت سر هم به سوی نماد شیطان، ۴۹ سنگ پرتاب کرده و از شیطان و شیطان نماها برائت می جویند.جالب آنکه بعد از پرتاب سنگ ها به سوی شیطان، حاجیان این دعا را می خوانند: خدایا حج من را قبول کن که این رمز آن است که قبولی حج با طرد شیطان و شیطان ها همراه است.ناگفته پیداست که شیطان در هر زمان به شکل و صورتی است، چنانکه امام راحل قدس سرّه فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است.در زیارت عاشورا به امام حسین علیه السلام و یارانش صد مرتبه سلام می دهیم و در مقابل به دشمنان او که دشمنان دین و خدایند، صد بار لعنت می کنیم.تکرار پرتاب سنگ در سرزمین منی به شیطان و تکرار لعنت در زیارت عاشورا، نشان دهنده ی آن است که باید با محبّت خوبان و بغض دشمنان خو بگیریم و خو گرفتن در اثر تکرار است.حضرت علی علیه السلام متولّد کعبه و خانه زاد خداست، خداوند می فرماید: به دور کعبه بچرخید تا در طواف خانه خدا عشق علی و فکر و راه او در جان شما جای گیرد. انسان بی عشق و تنفّر، همانند حیوانی است که فقط نفس می کشد.در هر شبانه روز ده مرتبه از خداوند می خواهیم که ما را در راه اولیای خود ثابت قدم بدارد؛ اهدنا الصراط المستقیم صراط الّذین انعمت علیهم و از راه منحرفان و غضب شدگان بیزاری می جوییم غیر المغضوب علیهم و لا الضّالّین سنگ کعبه را می بوسیم، ولی از سنگ جمرات با پرتاب سنگریزه ها به آن، ابراز نفرت می کنیم.روز عرفه به عشق حسین علیه السلام و دعای او اشک می ریزیم، ولی فردای آن در عید قربان، کارد بدست خون می ریزیم و قربانی می کنیم. با یک دست دعا و با دست دیگر سلاح.آری مسلمانان باید در تمام شئون زندگی اینگونه باشند.امام جمعه ی مسلمین بر لبش فرمان تقوی و در چشمش اشک و بر دستش سلاح و گام هایش استوار در قیام است، فکرش آگاه به آفاق و ذهنش انباشته از علم است. واین معنای جامعیّت نمایندگان مکتبی و علما و خطبا در اسلام است.اگر به امام حسین علیه السلام سلام می گوییم، از قرآن آموخته ایم که به پیام آوران آسمانی و رهروان الهی

سلام می گوید: سلام علی نوح فی العالمین [۱۴۸] ، سلامٌ علی ابراهیم [۱۴۹] ، سلام علی موسی و هارون [۱۵۰] ، سلام علی آل یاسین [۱۵۱] .اگر به پیامبر صلّی اللّه علیه و آله صلوات می فرستیم، از قرآن یاد گرفته ایم که می فرماید: انّ اللّه و ملائکته یصلون علی النّبی [۱۵۲] خداوند و فرشتگان بر پیامبر درود می فرستند و اگر ما بر بنی امیه و غاصبان حکومت حقّ و تبهکاران تاریخ بشریّت، لعن و نفرین می کنیم، باز از قرآن آموخته ایم که می فرماید: انّ الّذین یؤذون اللّه و رسوله لعنهم اللّه فی الدنیا و الاخرهٔ [۱۵۳] آنان که خدا و پیامبرش را اذیّت می کنند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت لعنت می کند.ما نفرین و لعن به دشمنان خدا را از انبیا یاد گرفته ایم؛ لعن الّذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی بن مریم [۱۵۴] کافران بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعن شده اند.ما نفرین را از سیره ی پیامبر اسلام آموخته ایم که در ماجرای مباهله فرمودند: ثمّ نَبتَهِل فنجعل لعنهٔ اللّه علی الکاذبین [۱۵۵] ما با هم مباهله می کنیم و لعنت خدا را برای دروغگویان قرار می دهیم.بعضی از مجرمان را نه تنها خدا و پیامبران لعن و نفرین می کنند، بلکه تمام موجودات با شعور هستی نیز آنان را دائماً لعنت می کنند. اولئک یلعهنم اللّه و یلعنهم اللاعنون [۱۵۶] .کوتاه سخن آنکه سلام و نفرین ما در تمام زیارت ها به خصوص زیارت عاشورا، برخاسته از فرهنگ و روح قرآن است.

پاورقی

[۱] مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۶۱.

[۲] کامل الزیارات.

[۳] جامع الاحادیث شیعه، ج ۱۲ ص ۴۸۱.

[۴] یونس، ۵۷.

[۵] لواعج الاشجان، ص ۲۶.

[۶] جن، ۱.

[۷] لواعج الاشجان، ص ۱۲۸.

[۸] حجر، ۸۷.

[۹] بحار، ج ۹۸، ص ۲۳۹.]

[۱۰] الحاقه، ۵۱.

[۱۱] کامل الزیارات، ص ۲۰۲.

[۱۲] نهج الفصاحه، جمله ۶۶۲.

[۱۳] زیارت عاشورا.

[۱۴] کامل الزیارات، ص ۷۰.

[۱۵] اسراء، ۸۲.

[۱۶] من لایحضر، ج ۲، ص ۴۴۶.

[۱۷] الحیاهٔ، ج ۲، ص ۱۴۰.

[۱۸] مفاتیح الجنان.

[۱۹] نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.

[۲۰] مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸.

[۲۱] نساء، ۱۷۴.

[۲۲] کامل الزیارات، ص ۲۰۰.

[۲۳] سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۴۱۳.

[۲۴] مقتل مقرّم.

[۲۵] ص، ۲۹.

[۲۶] مقتل خوارزمی، (این سخن از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله است).

[۲۷] زمر، ۲۸.

[۲۸] فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۱.

[۲۹] واقعه، ۷۷.

[۳۰] نفس المهموم، ۷.

[۳۱] فصّلت، ۴۱.

[۳۲] لهوف، ۵۴.

[۳۳] بحار، ج ۹۲، ص ۳۱.

[۳۴] پرتوی از عظمت حسین، ۶.

[۳۵] انعام، ۱۵۷.

[۳۶] فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۵.

[۳۷] مزمّل، ۴.

[۳۸] کامل الزیارات.

[۳۹] وسائل، ج ۴، ص ۸۵۷.

[۴۰] کامل الزیارات.

[۴۱] نساء، ۱۴۲.

[۴۲] توبه، ۵۴.

[۴۳] بقره، ۷۱.

[۴۴] توبه، ۳۸.

[۴۵] عنکبوت، ۶۵.

[۴۶] یونس، ۹۱.

[۴۷] انفال، ۶۰.

[۴۸] مائده، ۲.

[۴۹] هود، ۸۸.

[۵۰] آل عمران، ۱۲۶.

[۵۱] مائده، ۸۳.

[۵۲] نصر، ۲.

[۵۳] حجرات، ۱۴.

[۵۴] احزاب، ۳۳.

[۵۵] هود، ۸۸.

[۵۶] قصص، ۲۱.

[۵۷] نساء، ۷۸.

[۵۸] آل عمران، ۱۵۴.

[۵۹] قصص، ۲۲.

[۶۰] توبه، ۵۴.

[۶۱] نساء، ۱۴۲ - ۱۴۳.

[۶۲] آل عمران، ۱۸۵.

[۶۳] یونس، ۴۱.

[۶۴] بقره، ۱۵۶.

[۶۵] فتح، ۱۰.

[۶۶] احزاب، ۲۳.

[۶۷] قصص، ۴۱.

[۶۸] مجادله، ۱۹.

[۶۹] یونس، ۷۱.

[۷۰] اعراف، ۱۹۶.

[۷۱] دخان، ۲۰.

[۷۲] غافر، ۲۷.

[۷۳] انعام، ۴۸.

[۷۴] اعراف، ۴۵.

[۷۵] محمّد، ۲.

[۷۶] نساء، ۱۴۶.

[۷۷] انفال، ۱.

[۷۸] اعراف، ۱۴۲.

[۷۹] حجرات، ۹.

[۸۰] هود، ۴۶.

[۸۱] شعرا، ۸۳.

[۸۲] کهف ۸۲.

[۸۳] مؤمنون، ۵۰.

[۸۴] انبیاء، ۱۰۵.

[۸۵] هود، ۸۸.

[۸۶] بقره، ۱۱ - ۱۲.

[۸۷] بقره، ۲۲۰.

[۸۸] اعراف، ۱۷۰.

[۸۹] هود، ۷۸.

[۹۰] آل عمران، ۱۱۱.

[۹۱] اعراف، ۱۶۴.

[۹۲] عنکبوت، ۴۵.

[۹۳] بحار، ج ۹۷، ص ۸۷.

[۹۴] نحل، ۳۶.

[۹۵] بحار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

[۹۶] آل عمران، ۲۱.

[۹۷] انفال، ۳۴.

[۹۸] توبه، ۸.

[۹۹] شعراء، ۲۲۳. [

[۱۰۰] یوسف، ۱۰۸.

[۱۰۱] حشر، ۹.

[۱۰۲] اعراف، ۱۲۸.

[۱۰۳] طه، ۱۳۲.

[۱۰۴] انشراح، ۴.

[۱۰۵] زمر، ۱۲.

[۱۰۶] هود، ۱۱۲.

[۱۰۷] رعد، ۲۲.

[۱۰۸] نساء، ۱۳۹.

[۱۰۹] بحار، ج ۷۸، ص ۲۲۸.

[۱۱۰] دعای مکارم الاخلاق.

[۱۱۱] نساء، ۱۴۱.

[۱۱۲] بقره، ۲۷۹.

[۱۱۳] توبه، ۱۱۱.

[۱۱۴] بقره، ۲۹.

[۱۱۵] حجر، ۲۹.

[۱۱۶] بقره، ۳۴.

[۱۱۷] بقره، ۳۰.

[۱۱۸] بقره، ۲۵۷.

[۱۱۹] حج، ۷۸.

[۱۲۰] ذاریات، ۵۶.

[۱۲۱] بقره، ۳.

[۱۲۲] زیارت عاشورا.

[۱۲۳] بقره، ۴۳.

[۱۲۴] نساء، ۱۰۲.

[۱۲۵] بقره، ۱۵۳.

[۱۲۶] اسراء، ۷۸.

[۱۲۷] مریم، ۳۱.

[۱۲۸] نور، ۳۷.

[۱۲۹] نساء، ۷۷.

[۱۳۰] بقره، ۲۴۹.

[۱۳۱] آل عمران، ۱۷۳.

[۱۳۲] توبه، ۹۳.

[۱۳۳] صافّات، ۱۰۱ - ۱۰۳.

[۱۳۴] بقره، ۲۵۱.

[۱۳۵] انبیاء، ۵۷.

[۱۳۶] آل عمران، ۱۴۶.

[۱۳۷] توبه، ۲۴.

[۱۳۸] بقره، ۲۴۹.

[۱۳۹] احزاب، ۱۳.

[۱۴۰] توبه، ۴۹.

[۱۴۱] توبه، ۸۱.

[۱۴۲] توبه، ۸۰.

[۱۴۳] ابراهیم، ۳۱.

[۱۴۴] لقمان، ۲۰.

[۱۴۵] ذاریات، ۵۶.

[۱۴۶] توبه، ۱۱۴.

[۱۴۷] شعراء، ۲۱۶.

[۱۴۸] صافّات، ۷۹.

[۱۴۹] صافّات، ۱۰۹.

[۱۵۰] صافّات، ۱۲۰.

[۱۵۱] صافّات، ۱۳۰.

[۱۵۲] احزاب، ۵۶.

[۱۵۳] احزاب، ۵۷.

[۱۵۴] مائده، ۷۸.

[۱۵۵] آل عمران، ۶۱.

[۱۵۶] بقره، ۱۵۹.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۰۰۰۰۰۰۰-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹